

# دربی‌های فراموش‌نشدنی

دربی اوج حساسیت و جذابیت در فوتبال ماست، ۴ استقلال و ۴ پرسپولیس خاطرات جالب‌شان را از دربی‌روایت می‌کنند، از اولین دربی با حضور خانم‌ها تا لذت از برد تیم محبوب در کنار هواداران ناراحت رقیب

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲

۲۰۲۴ مارس ۱۳ ۱۴۴۵ ر.م

شماره ۲۱۴۵۳

۲۶۷۲



پرونده

چند سالی است که کیفیت دربی‌ها پایین آمده اما حساسیت‌ها به مراتب بالاتر رفته. هنوز دربی حساس‌ترین بازی هر فصل لیگ ماست. آن قدر حیثیتی که برای خیلی از هواداران لذت برد در دربی به مراتب بیشتر از قهرمانی در لیگ است. هیجان بالای دربی همیشه روی کار تیم‌ها اثر منفی می‌گذارد. بازیکنان استرس بیشتری دارند چون یک اشتباه می‌تواند باعث مغضوب شدن یک بازیکن برای مدتی طولانی شود. اما باز هم دربی‌های زیادی بودند که برای هواداران دو تیم خاطره‌انگیز شده‌اند. لحظاتی که به راحتی نمی‌توان فراموش‌شان کرد و هنوز هم که هنوز است با مرورشان لذت می‌بریم. در این پرونده ۸ روزنامه‌نگار خاطره‌انگیزترین دربی‌را که تجربه کردند، روایت می‌کنند. خاطراتی که هر کدام زاویه دید متفاوتی دارد و می‌تواند برای مخاطبان این مطالب هم ملموس و نوستالژیک باشد. پس به بهانه دربی امروز، با این خاطره‌بازی همراه ما باشید.

## روزی که پرسپولیس باید ۶ تایی می‌شد

چه سالی؟ ۱۳۷۴ نتیجه؟ استقلال ۳ - پرسپولیس ۱

ابوالفضل حکم‌آبادی

به عنوان یک استقلالی، پیروزی در این بازی برایم ارزش زیادی داشت و همیشه در ذهنم ماندگار شد. دلشیش هم این بود که دربی قبلی را باخته بودیم و بچه‌های محل که بیشترشان طرفدار تیم رقیب یعنی پرسپولیس بودند، مدام و خیلی برای من کُری می‌خواندند. یادم می‌آید تا یکی دو هفته بعد از باخت در آن دربی، حالم خراب بود. در ضمن از جمله دلایلی که باعث شد من یک استقلالی بشوم «احمد عابدزاده» بود ولی افسوس که او یک سال بود از تیم محبوبم رفته بود و نگران بودم که در این

بازی، دروازه‌بان نتواند کیفیت بالایی از خودش نشان دهد و دوباره بازی را بازبیم. بازی که شروع شد، مادر م مثل همیشه به خاطر حاشیه‌ها و سروصداها و هیاهویی که داشتم، چادرش را به سر می‌کرد و به بالای پشت بام می‌رفت! بازی تا دقیقه ۳۸ با نتیجه ۳-۰ به سود استقلال بود و همه چیز داشت به بهترین شکل ممکن پیش می‌رفت. خوب خاطرم هست که حسم این را می‌گفت که این بار پرسپولیس ۶ تایی می‌شود ولی نشد که بشود. بعد از بازی، تا یکی دو هفته‌ای دوستان و بچه‌های محل اطراف من آفتابی نشدند چون خیلی برایشان سخت بود حرف‌های مرا بشنوند و خوشحالی من را ببینند. خلاصه آن بازی خیلی حال داد و به من به عنوان یک طرفدار استقلال چسبید.

## خوشحالی پر در دسر به خاطر مشت برومند

چه سالی؟ ۱۳۷۹ نتیجه؟ استقلال ۲ - پرسپولیس ۲

علی ترابی

در آن زمان یک نوجوان با شور و هیجان فوتبالی بودم. فوتبال‌های داخلی و خارجی را با تب و تاب زیادی دنبال می‌کردم. یادم می‌آید که با چند تن از بچه‌های هم محلی قرار گذاشتیم که دربی سرخابی را کنار هم ببینیم. منزل یکی از بچه‌ها قرار گذاشتیم و بساط پذیرایی هم مفصل برپا بود. یادم می‌آید که ۵ نفر بودیم که دو نفر استقلالی بودیم و بقیه پرسپولیسی بودند. کل کل‌های دوران نوجوانی هم از چند روز قبل از دربی شروع شده بود و در حین مسابقه با التهاب بیشتری همراه بود که حتی در دقایقی به دعوا هم منجر شد. صحبت از دربی چهل و نهم سرخابی

است که با تساوی ۲-۲ تمام شد. به نظرم یکی از جنجالی‌ترین دربی سرخابی‌ها محسوب می‌شود. زمین مسابقه به یک رینگ بوکس تبدیل شده بود و بازیکنان بد جور از خجالت هم در آمدند. خشونتی که در هر دو نیمه وجود داشت و در نهایت بازیکنان پس از سوت پایان بازی با مشت و لگد به جان یکدیگر افتادند. مشت پرویز برومند به صورت پایان رفت شروع دعوا بود که در این حین بنده به عنوان استقلالی خیلی خوشحالی کردم که باعث ناراحتی دوستان شد و در حد کوتاه به یک زد و خورد دوستانه هم تبدیل شد. البته حساسیت این بازی بیشتر برای این بود که مهدی هاشمی نسب در انتقالی جنجالی از پرسپولیس به استقلال پیوسته بود و در این دربی گلزنی هم کرد که همین مسئله بر حواشی مسابقه افزوده بود.

## اولین دربی من با طعم قهرمانی تاریخی استقلال

چه سالی؟ ۱۴۰۰ نتیجه؟ استقلال ۱ - پرسپولیس ۱

اعظم هادی

پنج شنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۰ من همراه با چند نفر از خانم‌های خبرنگار بالاخره این فرصت را پیدا کردیم که برای اولین بار، دربی را از نزدیک تماشا کنیم. مایه که ۲۰ واندی سال بود در باره فوتبال و دربی پایتخت فقط می‌نوشتیم بدون این که اجازه داشته باشیم این بازی و بقیه بازی‌های لیگ و ملی را از نزدیک توی ورزشگاه تماشا کنیم و گزارش را بنویسیم، سرانجام طلسم را شکست دادیم. آن دربی به چند دلیل برای من خیلی خاطره‌انگیزه شد، هر چند با تساوی یک-یک به پایان رسید اما حلاوت یک دستور دبیز گرا برای من به عنوان خبرنگار استقلالی

داشت. دربی آن سال، دربی ۹۸ سرخابی‌ها بود، در فصلی که استقلال با فرهاد مجیدی بدون باخت پیش می‌رفت تا پس از سال‌ها ناکامی به قهرمانی برسد. در آن دربی پرسپولیس با گل علی نعمتی پیش افتاد اما دقیقه ۸۲ رودی ژستمد مهاجم فرانسوی آبی‌ها گل مساوی را به ثمر رساند تا هم اولین گلزن خارجی استقلال لقب بگیرد و هم تیمش را از شکست در دربی حساس نجات بدهد. همان تک‌امتیاز دربی باعث شد روند شکست‌ناپذیری استقلال فرهاد مجیدی ادامه پیدا کند و در نهایت پایان فصل شاهد تاریخ‌سازی استقلال باشیم که بدون شکست مقتدرانه قهرمان لیگ شد.

## پشیمانی از کُری خوانی

چه سالی؟ ۱۳۹۴ نتیجه؟ پرسپولیس ۱ - استقلال صفر

مهدی حسن‌زاده

کُری خوانی خانوادگی جزو جدانشدنی شهر آورد است اما تجربیات تلخی هم دارد. خصوصاً اگر با افراد کم سن و سال خانواده وارد کُری خوانی شوی. دهه ۷۰ که چند دربی با برد پرسپولیس خاتمه یافت، خواهرزاده‌ام که استقلالی بود مجبور شد مدتی تغییر رنگ دهد تا پس از اولین دربی که استقلال برد به رنگ آبی بازگردد. سال‌ها بعد در دربی ۸۰ من که مرد جاف‌فاده‌ای بودم در منزل یکی از اقوام با نوجوانی آبی‌دوست دربی را دیدیم. همان دربی

## نوک پای ترابی، بغل پای عالیشاه

چه سالی؟ ۱۴۰۲ نتیجه؟ پرسپولیس ۲ - استقلال ۱ (در وقت اضافه)

سید مصطفی صابری

از ۶ سالگی که عکس فوتبال‌لیست‌ها را جمع می‌کردم با گلزنی فرهاد پیوس پرسپولیسی شدم و در بی‌های زیادی را تماشا کردم. بازی‌هایی که هر کدام خاطرات زیادی را به یادگار گذاشتند. اما بدون شک یکی از هیجان‌انگیزترین و خاص‌ترین‌شان دربی‌های فصل فوتبال ۱۴۰۱/۱۴۰۲ بود. جایی که تیم‌بچی‌وقتی در روزهای پایانی سال ۱۴۰۱ با باخت مقابل سپاهان در آزادی دیگر آمیدی به قهرمانی در

## ۴ تایی‌ها یا دربی ایمون ز اید؟

چه سالی؟ ۱۳۹۵ نتیجه؟ پرسپولیس ۴ - استقلال ۲

مجید حسین‌زاده

مثل بیشتر دربی‌هایی که در سال‌های اخیر دیدم، این بار هم سرکار بودم و از پشت میزم بازی را تماشا می‌کردم. این جور مواقع، فقط ۱۰ دقیقه انتهایی هر نیمه را زنده می‌بینم و اگر گلی زده شود، آن را در سایت‌ها دنبال می‌کنم. بعد از چندین دربی که بدون گل زده یا نهایتاً با یک گل تمام می‌شد، این بار خیلی نگران خط دروازه پرسپولیس بودم، جایی که هر لحظه سوشا مکانی می‌توانست یک فاجعه رقم بزند. هنوز بازی شروع نشده بود، صدای «گل، گل، ...» در تحریریه بلند شد و با خودم گفتم که حتماً باز سوشا سوتی داده است اما شوت دیدنی نور الهی و ذکاوت طارمی بود که

که با گل دقایق پایانی علی علی پور به برتری یک بر صفر پرسپولیس انجامید. وسط مسابقه در کوران کُری خوانی با نوجوان احساسی مواجه بودم که پر حرارت کُری می‌خواند. من هم که خیلی افرای نیستم ناگزیر و ار دبینگ‌پنگ کُری خوانی شده بودم. بازی که تمام شد دیدم آن نوجوان رفت حیاط. دقایقی بعد من هم رفتم و دیدم که سعی می‌کند چشم‌های اشک‌آلودش را از من پنهان کند. خیلی جدی بابت کُری خوانی احساس پشیمانی کردم. به خودم گفتم این نوجوان وقتی بعد از کُری خوانی می‌بازد، حتماً بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرد و ناراحت‌تر می‌شود. کاش کُری نمی‌خواندم.

لیگ برتر نداشت. اما با شروع ۱۴۰۲ همه بازی‌ها از جمله دربی را با گل آل کثیر بُرد تا غیرممکن محقق شود. در این بین استقلالی‌ها برای دربی فینال حذفی خط و نشان می‌کشیدند، بازی که باخت در آن می‌توانست اعتبار قهرمانی در لیگ برتر را هم خدشه‌دار کند. بازی با گل ترابی شروع شد و تا آخر بازی پرسپولیس سوار بازی بود. مصدومیت داور اصلی و حضور داور جدید شرایط عجیبی را رقم زد. طوری که پناالتی صدر صدروی آل کثیر توسط داور که آماج دهنی نداشت گرفته نشد و لحظاتی بعد استقلال با ضربه سر مرادمند کار را به تساوی و وقت‌اضافه کشاند. جایی که سانتر زیبای امید عالیشاه در دقایق پایانی وقت اضافه تبدیل به گلی خاطره‌انگیز شد و سه گانه قرمز را رقم زد.

پرسپولیس را پیش انداخته بود. در ادامه، طارمی گل دوم را زد اما وقتی پناالتی را در لحظات آخر نیمه اول از دست داد، حدس زدم که قرار است بازی ۲-۲ مساوی شود! شروع نیمه دوم امین رضائیان با جاگیری مناسب گل سوم را زد اما چند دقیقه بعد «سوشا» بالاخره کار خودش را کرد و یک گل بد خورد. بعد از چند دقیقه یکپهو دیدم که یک نفر در تحریریه داد می‌زند: «بدو، بدو...». نیم خیز شده بود و با هیجان می‌گفت: «بدو دیگه، سریع‌تر...». بعد از به ثمر رسیدن گل فهمیدم که او تحت تاثیر لحظه پای به توپ شدن طارمی از وسط تازمانی که تصمیم گرفت به جای هتریک، پاس بدهد، قرار داشته. این بازی به یادماندنی علاوه بر حضور «پرفسور سمعی» در ورزشگاه، کار استقلالی‌ها را برای نشان دادن عدد ۴ از این روز به بعد به یک چالش جدی تبدیل کرد. با این همه، هنوز مرد دهنستم که این بازی خاطره‌انگیزترین دربی برای من بود یا کامبک فراموش‌نشدنی در ۱۰ دقیقه، ۱۰ نفره با ۳ گل.

## بین تماشاگرها با برادر دوقلوی دوآتیشه استقلالی

استادیوم را سدیم و از قضا به خاطر برادرم رقتیم در قسمت استقلالی‌ها نشستیم. اوایل بازی مرا اسم خدا حافظی فرهاد آقای گل از دنیای فوتبال بود و برایم جالب بود که همه استادیوم یعنی هم استقلالی‌ها و هم پرسپولیسی‌ها تشویقش می‌کردند. بازی شروع شد تا این که ادموند بیزیک گل اول را وارد دروازه استقلال کرد. می‌خواستم ببرم هوا که یکپهو صدای آهوا افسوس استقلالی‌ها را دیدم و شنیدم! ترسیدم و نشستم سر جایم! اصلاً جرئت نداشتیم که حتی بخندم چه برسد به بلند شدن و شادی کردن. نیمه اول تمام شد و بین دو نیمه، همه طرفداران استقلال می‌گفتند که گل می‌زنیم و حتی بازی را می‌بریم و من فقط با یک خنده مصنوعی، با آن‌ها همراهی می‌کردم! نیمه دوم شروع شد و بازی خوب پرسپولیس و گل مهدی مهدوی کیا، سمت پرسپولیسی‌ها منفجر شد ولی قسمتی که ما نشستیم بودیم، سکوت محض بود و من از یک خوشحالی ساده محروم شده بودم. بدش هم گل سوم به پناهم طاهرزاده یک پیروزی شیرین را برایم رقم زد، در روزی که به جای خوشحالی، مجبور بودم بین استقلالی‌ها و در ظاهر، غصه بخورم و سر مرا تکان دهم!

چه سالی؟ ۱۳۷۶ نتیجه؟ پرسپولیس ۲ - استقلال صفر

میثم دهقانی

من یک برادر دوقلوی دارم که استقلالی دوآتیشه است.

اصلاً به همین خاطر بود که من طرفدار پرسپولیس شده بودم که همیشه با هم کُری بخوانیم. معمولاً تابستان‌ها که مدرسه‌ها تعطیل بود، برای دیدن خانواده مادری به تهران می‌رفتیم. این دفعه زمانی که آن جا بودیم، استقلال و پرسپولیس بازی داشتند و برادرم اصرار داشت که برویم استادیوم. خلاصه آن روز خودمان را به



## دربی حذفی در خوابگاه دانشجویی

چه سالی؟ ۱۳۹۰ نتیجه؟ استقلال ۳ - پرسپولیس صفر (در وقت اضافه)

حامد رحیم پور

بازی حذفی به ذات خود بسیار حساس تر و نفس گیرتر از یک بازی در لیگ است. حالا شما حساب کنید چنین بازی یک دربی سنتی هم باشد! آذرماه سال ۹۰ همین اتفاق افتاد و در یک چهارم نهایی جام حذفی، استقلال آن هم پس از ۹۰ دقیقه که هیچ تویی از خط دروازه‌ها نگذشته بود در وقت اضافه با درخشش یک مثلث طلایی به نام‌های مجتبی جباری، فرهاد مجیدی و آندرانیک تیموریان سه گل به پرسپولیس‌ها زد. این بازی شیرین‌ترین دربی بود که در دوران دانشجویی آن هم در بجه‌وحه نزدیک بودن به امتحانات ترم و در جمع دانشجویان خوابگاهی دانشگاه فردوسی دیدم. هنوز مزه شادابی و نشاط آن شب زیر زانم هست. گرچه من مشهودی بودم اما بعضاً به خوابگاه‌ها هم به واسطه فعالیت‌های فرهنگی سر می‌زدم. در آن جاسان ویژه‌ای به نام سالن ۱۷ وجود داشت که این سالن‌ها همیشه شاهدین کُری خوانند‌های دانشجویان بوده است که البته حتماً به یکی از خاطره‌انگیزترین نوستالژی‌

فارغ التحصیلان تبدیل شده می‌شود. برای من هم همین خاطرات مانده است. این پیروزی آن قدر برای قرمزها تلخ بود که حمید استیلی از تیم کناره‌گیری کرد و فکر کنم تا سال‌ها، ما آبی‌ها چنین پیروزی خاطره‌انگیزی نداشتیم. خاطراتی که با گذشت سال‌ها همچنان در ذهن مان وول می‌خورد. راستی! ماه مبارک رمضان بر همه مسلمانان جهان غیر از اکرم عفیف مبارک!

